

International Think Tank of
Human DignityThe Bioethics and Health
Law InstituteThe Iranian Association of
Medical Law

The Impact of Agricultural Agreement of World Trade Organization on Food Security

Mohammad Qasem Tangestani^{1*}, Mohammad Javad Heydarian Dolatabadi¹

1. Department of Public International Law, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Ensuring food security remains a persistent challenge for countries around the world, particularly developing nations. This challenge is exacerbated by factors such as global food price fluctuations and the limited purchasing power of vulnerable populations. In this context, the Agreement on Agriculture of the World Trade Organization (WTO), by imposing restrictions on government support policies, can play a significant role in undermining food security. The objective of this study is to examine the impact of the WTO Agreement on Agriculture on food security, with a focus on the role of governments in supporting vulnerable groups and ensuring universal access to adequate food.

Methods: This research adopts a descriptive-analytical approach and is based on documentary and library studies. It analyzes international legal instruments, reports from international organizations and specialized literature to assess the effects of international trade regulations on national agricultural support policies.

Ethical Considerations: All ethical principles of academic research have been observed in this study, including scientific integrity, accurate citation of sources and avoidance of data misrepresentation.

Results: The findings indicate that the restrictive provisions of the Agreement on Agriculture - particularly those related to subsidies and price support - have imposed significant limitations on developing countries. These constraints have weakened their ability to support domestic production and provide affordable food to vulnerable groups, ultimately leading to increased food insecurity.

Conclusion: According to the results, it is very urgent and undeniable to find a permanent solution to the problem that developing countries have in implementing their food security policy based on the unfair, outdated and unreasonable provisions of the Agreement on Agriculture. In addition to the selected countries in this study, some other developing countries, including the least developed countries, have similar price support and food security policies. This is very important for countries that do not currently have price support policies for their agriculture, but may support this flexibility to introduce similar programs in the future.

Keywords: Food Security; World Trade Organization; Agreement on Agriculture; Right to Food; Human Rights

Corresponding Author: Mohammad Qasem Tangestani; **Email:** m.tangestani@khu.ac.ir

Received: July 21, 2025; **Accepted:** September 14, 2025; **Published Online:** November 04, 2025

Please cite this article as:

Tangestani MQ, Heydarian Dolatabadi MJ. The Impact of Agricultural Agreement of World Trade Organization on Food Security. Health Law Journal. 2025; 3: e7.



تأثیر موافقت‌نامه کشاورزی سازمان جهانی تجارت بر امنیت غذایی

محمدقاسم تنگستانی^{۱*}، محمدجواد حیدریان دولت‌آبادی^۱

۱. گروه حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تأمین امنیت غذایی یکی از چالش‌های پایدار برای کشورهای جهان، به ویژه کشورهای در حال توسعه، به شمار می‌رود؛ چالشی که تحت تأثیر عواملی نظیر نوسانات قیمت جهانی مواد غذایی و ضعف قدرت خرید در میان اقشار آسیب‌پذیر تشدید می‌شود. در این میان، موافقت‌نامه کشاورزی سازمان جهانی تجارت با ایجاد محدودیت‌هایی بر سیاست‌های حمایتی دولت‌ها، می‌تواند نقش مهمی در تضعیف امنیت غذایی ایفا کند. هدف این پژوهش بررسی تأثیر این موافقت‌نامه بر امنیت غذایی، با تمرکز بر نقش دولت‌ها در حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و تضمین دسترسی همگان به غذای کافی است.

روش: این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده و با بهره‌گیری از اسناد حقوق بین‌الملل، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی و متون تخصصی، به بررسی اثرات مقررات تجاری بین‌المللی بر سیاست‌های ملی حمایت از کشاورزی پرداخته است.

ملاحظات اخلاقی: در انجام این مطالعه، تمامی اصول اخلاق پژوهش، از جمله رعایت امانت‌داری علمی، استناد دقیق به منابع و پرهیز از تحریف داده‌ها رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که محدودیت‌های ناشی از موافقت‌نامه کشاورزی، به ویژه در زمینه اعطای یارانه و حمایت‌های قیمتی، کشورهای در حال توسعه را با محدودیت‌های جدی مواجه کرده و توان آن‌ها را برای حمایت از تولید داخلی و تأمین غذای کافی برای اقشار ضعیف کاهش داده است، که در نهایت منجر به افزایش ناامنی غذایی در این کشورها شده است.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج، یافتن یک راه حل دائمی برای مشکلی که کشورهای در حال توسعه در اجرای سیاست امنیت غذایی خود بر اساس مقررات ناعادلانه، منسوخ و غیر منطقی موافقت‌نامه کشاورزی دارند، بسیار ضروری و انکارناپذیر است. علاوه بر کشورهای منتخب موضوع در این مطالعه، برخی از کشورهای در حال توسعه دیگری شامل کشورهای کمتر توسعه‌یافته دارای سیاست‌های مشابه حمایت از قیمت و امنیت غذایی هستند. این مسأله برای کشورهایی که در حال حاضر سیاست‌های حمایت از قیمت برای کشاورزی خود ندارند، بسیار مهم است، اما ممکن است از این انعطاف‌پذیری برای معرفی برنامه‌های مشابه در آینده حمایت کنند.

واژگان کلیدی: امنیت غذایی؛ سازمان جهانی تجارت؛ موافقت‌نامه کشاورزی؛ حق بر غذا؛ حقوق بشر

نویسنده مسئول: محمدقاسم تنگستانی؛ پست الکترونیک: m.tangestani@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Kari Tangestani MQ, Heydarian Dolatabadi MJ. The Impact of Agricultural Agreement of World Trade Organization on Food Security. Health Law Journal. 2025; 3: e7.

مقدمه

پس از برگزاری کنفرانس وزیران در بالی، هیچ مسأله‌ای در عرصه مذاکرات تجاری چندجانبه در مورد رابطه بین امنیت غذایی و قوانین تجارت بین‌الملل اثبات نشده است. به طور خاص، در طول ماه‌های جولای تا نوامبر ۲۰۱۴، این مسأله توجه زیاد و بحث‌های متعددی را در میان سیاستگذاران، دانشگاهیان و جامعه مدنی در بسیاری از کشورها به خود جلب کرد. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که چگونه قوانین و ترتیبات موجود در موافقت‌نامه کشاورزی باید اصلاح شود تا اجازه دهد کشورهای در حال توسعه از تعهدات سازمان جهانی تجارت خود منحرف شوند تا اقدامات حمایت از قیمت دولت را برای تأمین اهداف امنیت غذایی اجرا کنند؟ لذا در این قسمت، به ارزیابی اینکه آیا تعهدات تحت قوانین سازمان جهانی تجارت انعطاف‌پذیری این کشورها برای پاسخگویی به نیازهای تأمین مواد غذایی جمعیت خود را محدود می‌کند و اگر چنین است تا چه حد این محدودیت صورت می‌گیرد، می‌پردازیم.

همانطور که اقتصاد اکثریت کشورهای در حال توسعه عمدتاً روستایی است، کشاورزی هنوز منبع مهمی برای درآمد میلیون‌ها نفر است. سازمان ملل متحد پیش‌بینی کرده است جمعیت کل جهان در سال ۲۰۵۰ به ۹/۱ میلیارد نفر افزایش یابد و حداکثر افزایش جمعیت در جنوب آسیا و کشورهای جنوب صحرای آفریقا باشد (۱). با توجه به این واقعیت که هر دو منطقه سهم بزرگی از جمعیت ناامن غذا در جهان را دارند، توسعه کشاورزی ضروری است تا این قسمت جهان از گرسنگی آزاد شود (۲). رشد و توسعه کشاورزی لازمه تأمین رفاه عمومی به ویژه برای فقرا است.

موافقت‌نامه کشاورزی سقفی را برای حمایتی که ظاهراً تجارت را تحریف کرده یا بیش از حداقل تأثیر را در تولید دارد، تحمیل می‌کند. در رابطه با این نوع حمایت که اغلب به عنوان حمایت جعبه زرد نامیده می‌شود، کشورها مجازند حمایت داخلی را تا سطح آستانه‌ای (De Minimis Level) ارزش تولیدات کشاورزی یا محدودیت مذاکره معروف به محاسبه و

بررسی حمایت کلی داخلی (AMS: Aggregate Measurement of Support) ارائه دهند (۲).

۱. امنیت غذایی و بخش کشاورزی: امنیت غذایی زمانی وجود دارد که همه افراد دسترسی فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی به غذای کافی، ایمن و مغذی را داشته باشند تا بتوانند نیازهای غذایی و تنظیم غذا برای زندگی فعال و سالم را در اختیار داشته باشند (۲). امنیت غذایی یک مفهوم چند بعدی است که شامل: ۱- دسترسی به مواد غذایی؛ ۲- موجودبودن غذا؛ ۳- مصرف مواد غذایی؛ ۴- آسیب‌پذیری مواد غذایی می‌شود. نشست جهانی مواد غذایی در سال ۱۹۹۶ هدف خود را کاهش تعداد کل افراد فقیر در معرض خطر در سراسر جهان به نصف تا سال ۲۰۱۵ قرار داد که با تعیین اهداف توسعه هزاره در سال ۲۰۰۰ نیز این هدف تأیید شد (۳)، در حالی که تنها یکی از اهداف توسعه هزاره در رابطه با گرسنگی است، چهار هدف دیگر (بهبود آموزش ابتدایی، کاهش مرگ و میر کودکان، سلامت مادران و بیماری‌های مادران) به طور قابل توجهی با کاهش گرسنگی، تسهیل می‌شود (۴).

امنیت غذایی از دو مفهوم امنیت و غذا تشکیل شده است. جدا از مفهوم امنیت، غذا را باید اصلی‌ترین و مهم‌ترین عامل حفظ حیات دانست، البته تعاریف مختلفی از غذا ارائه شده است. برای مثال غذا را مجموعه‌ای از مواد خوراکی و آشامیدنی که برای تأمین نیاز فیزیولوژیکی به مصرف انسان می‌رسد و برای نگهداشت و رشد بدن و تأمین انرژی و عناصری برای حفظ جریان فعل و انفعال حیاتی ضروری است، تعریف کرده‌اند (۵). میزان امنیت غذایی ملی به نیازهای حداقل تغذیه‌های جمعیت منتخب بستگی دارد و عبارت است از دسترسی برابر برای همه مناطق و گروه‌های اجتماعی نسبت به ذخایر غذایی موجود در مدت زمان یک سال یا بیشتر (۶).

به منظور نیل به فهم درستی از امنیت غذایی، ابتدا بایستی به تحول مفهوم امنیت در حقوق بین‌الملل در طول دهه‌های اخیر به ویژه بعد از کنفرانس ریو و دستورالعمل ۲۱ آن اشاره نماییم که مفهوم مضیق امنیت را در زمینه امنیت غذایی، امنیت

اجتماعی و ابعاد مرتبط رفاه و سلامت مورد اشاره قرار داد و خواستار در نظرگرفتن ملاحظات امنیت زیست محیطی در زمینه گونه‌های گیاهی، امنیت زیست‌بومی در ارتباط با فناوری‌های زیستی و ارائه اقداماتی برای تضمین آینده ایمن و سالم شده است (۷). این رویکرد نسبت به امنیت، در اجلاس جهانی سران در ژوهانسبورگ در سال ۲۰۰۲ در مورد توسعه پایدار و کنفرانس ۲۰۱۲ ريو امنیت غذایی را برجسته نموده و سایر ابعاد امنیتی توسعه پایدار را مورد توجه قرار داده بود، پراهمیت گشت (۸). علیرغم اشارات کلی به صلح و امنیت و دیدگاه‌ها و تعاریف گسترده‌تر در مورد امنیت، هیچ کدام از کنفرانس‌های بین‌المللی در ارتباط با توسعه پایدار، توجه بسیار زیادی به توزیع منابع طبیعی در جهت امنیت غذایی نداشتند (۹). با این حال، مفاهیمی مانند امنیت غذایی برای اولین بار در سال ۱۹۴۸ در اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد و در اولین اجلاس جهانی غذا به رسمیت شناخته شد (۱۰).

تاکنون تعاریف زیادی از امنیت غذایی ارائه گردیده است، به شکلی که هودیانت (Hudiant) در سال ۱۹۹۹ بیش از ۲۰۰۰ تعریف و ۴۵۰ شاخص برای امنیت غذایی جمع‌آوری کرده است که از جمله آن‌ها می‌توان به تعاریف ارائه‌شده توسط کوناندرس (Konandreas) و همکاران (۱۱)، والدس (Valdes) (۱۲)، کمپل (Campbell) و همکاران (۱۳) اشاره نمود. در سال‌های بعدی هم می‌توان تعاریف ارائه‌شده توسط گولاتی (Gulati) (۱۴) و خان و شیرانی (۱۵) را مشاهده کرد (۱۶-۱۱). در اینجا لازم به توضیح است که تمام تعاریف‌های ارائه‌شده برای امنیت غذایی دارای دو جنبه اساسی دسترسی فیزیکی به غذا و دسترسی اقتصادی به آن است (۱۱).

امنیت غذایی در شرایطی تأمین شده است که همه افراد دسترسی فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی به غذای کافی، ایمن و مغذی را داشته باشند تا بتوانند نیازهای غذایی و تنظیم غذا برای زندگی فعال و سالم را در اختیار داشته باشند (۲). نشست جهانی مواد غذایی در سال ۱۹۹۶ هدف خود را کاهش تعداد کل افراد فقیر در معرض خطر در سراسر جهان به نصف تا سال ۲۰۱۵ قرار داد که با تحقق اهداف توسعه هزاره در

سال ۲۰۰۰ نیز این هدف تأیید شد (۳). در حال حاضر نزدیک به ۷۹۵ میلیون نفر از جمعیت جهان از سوءتغذیه رنج می‌برند و هر هفت ثانیه، یک کودک بر اثر گرسنگی و یا بیماری‌های ناشی از سوءتغذیه در جهان جان خود را از دست می‌دهد. دو میلیارد نفر نیز از کمبود مواد مغذی در جهان رنج می‌برند. این فاجعه بشری را برخی هلوکاست بی‌صدا خوانده‌اند (۱۷).

با توجه به مطالب فوق، هدف این قرار گرفت که نسبت افراد با درآمد کمتر از ۱/۲۵ دلار در روز به نصف کاهش یابد و همچنین نسبت افراد مبتلا به گرسنگی بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ به نصف کاهش یابد. در این راستا، در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۵، اعضای سازمان ملل متحد مجموعه‌ای از اهداف را برای پایان دادن به فقر، حفاظت از این سیاره و ایجاد رفاه برای همه به عنوان بخشی از اهداف توسعه پایدار (The Sustainable Development Goals) اتخاذ کردند. در کاهش گرسنگی و حصول اطمینان از امنیت غذایی، اهداف توسعه پایدار بدین قرار است:

- ۱- گرسنگی را پایان دهند و تا سال ۲۰۳۰ از دسترسی همه مردم، به ویژه فقرا و افراد در شرایط آسیب‌پذیر، از جمله نوزادان، به غذای سالم اطمینان حاصل نماید؛
- ۲- انواع سوءتغذیه را تا سال ۲۰۳۰ پایان دهد؛
- ۳- تا سال ۲۰۳۰، تولیدات کشاورزی و درآمد تولیدکنندگان مواد غذایی کوچک، به ویژه زنان، مردم بومی، کشاورزان خانواده، دامداران و ماهیگیران، از جمله از طریق دسترسی امن و برابر به زمین، سایر منابع تولیدی، دانش، خدمات مالی، بازارها و فرصت‌هایی برای افزودن ارزش و اشتغال غیر کشاورزی تأمین شود (۱۷).

۲. امنیت غذایی در مذاکرات دور دوحه (مذاکرات تجاری چندجانبه): در مقدمه موافقت‌نامه کشاورزی (Agriculture Agreement) در سال ۲۰۰۱ مشخص شده است که برنامه اصلاحات برای مذاکره در مورد تعهدات بیشتر در رابطه با حمایت و حفاظت باید به طور عادلانه بین همه اعضا، با توجه به نگرانی‌های غیر تجاری، از جمله امنیت غذایی، صورت گیرد. کنفرانس وزیران در دوحه در سال ۲۰۰۱ مقرر می‌دارد که

رفتار متفاوت برای کشورهای در حال توسعه و همچنین نگرانی‌های غیر تجاری از قبیل امنیت غذایی و توسعه روستایی بخشی جدایی‌ناپذیر از مذاکرات است (بیانیه مربوطه در نشست وزیران در دوحه به شرح زیر است: «ما موافقت می‌کنیم که رفتار ویژه و متفاوت برای کشورهای در حال توسعه بخشی جدایی‌ناپذیر از تمام عناصر مذاکرات باشد و باید در برنامه، امتیازات و تعهدات و در موارد مناسب در قوانین مورد مذاکره قرار گیرد تا از لحاظ عملی برای فعال کردن کشورهای در حال توسعه و به طور مؤثر نیازهای توسعه آن‌ها، از جمله امنیت غذایی و توسعه روستایی را مورد توجه قرار دهند. ما نگرانی‌های غیر تجاری را که در مذاکره توسط اعضا ارائه شده است را در نظر می‌گیریم و تأیید می‌کنیم که نگرانی‌های غیر تجاری در مذاکرات در موافقت‌نامه کشاورزی مطرح خواهد شد» (۱۸).

در سازمان جهانی تجارت، مذاکرات کشاورزی در جلسات ویژه کمیته کشاورزی (Committee on Agriculture) برگزار می‌شود که در آن همه اعضای سازمان فوق می‌توانند شرکت کنند. این مذاکرات به دنبال دستیابی به یک توافق برای طرح قوانینی در رابطه با تعیین تعهدات بیشتر از طرف کشورهای عضو سازمان یادشده در سه رکن مذاکرات (دسترسی به بازار، حمایت داخلی و رقابت صادراتی) می‌باشد. از فوریه ۲۰۰۳ تاکنون، رئیس جلسات ویژه در جهت رسیدن به شرایط توافق شده، نسخه‌های متفاوتی از پیشنهادهای مختلف را ارائه نموده است (۱۸). شرایط پیشنهادی بر اساس کارهای انجام‌شده در طول جلسات رسمی و غیر رسمی کمیته کشاورزی و مشاوره‌های فنی مربوطه مطابق با اختیار اعطاشده توسط وزیران در دوحه انجام شده است (۱۹).

۳. سیاست امنیت غذایی در کشورهای در حال توسعه:
بر اساس اهداف توسعه هزاره (MDGs: Millennium Development Goals)، سازمان ملل متحد یکی از اهداف خود را کاهش تعداد کل افراد فقیر در جهان به نصف آن تا سال ۲۰۱۵ تعیین کرده بود. شایان ذکر است اهداف توسعه هزاره اکنون با اهداف توسعه پایدار (SDGs: Sustainable Development Goals) جایگزین شده است.

(Development Goals) جایگزین شده است. گذشته از این، بیش از ۵۰ درصد کل جمعیت اقتصادی فعال در هند، کنیا، زامبیا و زیمبابوه در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند. این بزرگ‌ترین منبع درآمد و مشاغل برای خانوارهای روستایی فقیر در کشورهای در حال توسعه است.

برخی از نمونه‌های مداخله دولت در کشورهای در حال توسعه برای محافظت از منافع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان به شرح زیر است (۲۰).

چین: این کشور سیاست حداقل قیمت خرید را برای حفظ ثبات قیمت‌های بازار غلات، حفاظت از کشاورزان و کنترل عرضه مواد غذایی اجرا می‌کند.

هند: بر اساس توصیه‌های کمیسیون هزینه و قیمت‌های کشاورزی (CACP: The Commission for Agricultural Costs and Prices)، دولت برای تولید ۲۴ محصول اصلی، حداقل قیمت حمایتی (حداقل قیمت تضمینی محصولات کشاورزی (MSP) از سیاست‌های حمایتی مؤثر دولت هند در پشتیبانی مالی از کشاورزان است که قیمت حداقلی محصولات کشاورزی را تعیین می‌کند) را اعلام می‌کند تا اطمینان حاصل شود که قیمت‌ها پایین‌تر از این سطح قرار نگیرند. این برنامه، تهیه مواد غذایی در حداقل قیمت حمایتی را دنبال نموده و از طریق سیستم توزیع عمومی (PDS: Subsidised Prices through the Public Distribution System) آن را به بخش‌های ضعیف جامعه در قیمت‌های یارانه‌ای عرضه می‌کند. زامبیا: نهاد ذخیره مواد غذایی (FRA: The Food Reserve Agency) نقش مهمی در ثبات قیمت‌ها و تأمین مواد غذایی ضروری دارد. این نهاد امنیت غذایی ملی را تأمین می‌کند و به تولیدکنندگان ذرت کمک هزینه می‌دهد.

زیمبابوه: هیأت بازاریابی غلات (GMB: The Grain Marketing Board) امنیت غذایی ملی را از طریق تهیه و مدیریت ذخایر استراتژیک غلات (SGRs: Strategic Grain Reserves) تضمین می‌کند.

روش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده و با بهره‌گیری از اسناد حقوق بین‌الملل، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی و متون تخصصی، به بررسی اثرات مقررات تجاری بین‌المللی بر سیاست‌های ملی حمایت از کشاورزی پرداخته است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

۱. حمایت داخلی تحت موافقت‌نامه کشاورزی: موافقت‌نامه کشاورزی نتیجه مذاکرات تجاری چندجانبه در دور اروگوئه است. هدف بلندمدت آن ایجاد یک سیستم تجارت عادلانه و بازارمحور است. سه اصل اساسی این موافقت‌نامه عبارتند از: دسترسی به بازار، پشتیبانی داخلی و رقابت صادراتی. در دسترسی به بازار، موافقت‌نامه کشاورزی دارای مقررات خاص مربوط به تعرفه، تعرفه سهمیه‌ای و حمایت ویژه است. مقررات مربوط به جعبه سبز، جعبه زرد، جعبه آبی، محدودیت‌های کاهشی، تحت حمایت داخلی قرار می‌گیرند. ستون سوم، یعنی رقابت صادراتی، دارای قوانین مربوط به یارانه‌های صادراتی، مقابله با آلودگی، کمک‌های غذایی و اعتبارات صادراتی است.

۱-۱. حمایت داخلی از بخش کشاورزی: بسیاری از کشورها برنامه‌ها و طرح‌های توسعه کشاورزی را اجرا می‌کنند. برنامه‌هایی نظیر حمایت از قیمت‌ها و یارانه‌ها به دلیل ارتباط با تولید و قیمت فعلی در جهت حمایت از تجارت است. با این وجود، برنامه‌های دیگری همچون تحقیق، مدیریت آفات و خدمات توسعه و... وجود دارد که به طور حداقل تأثیر مستقیم بر تولید و تجارت دارد. بر اساس تأثیر این عوامل، برنامه‌های مختلف حمایت داخلی به عنوان جعبه آبی، زرد و سبز طبقه‌بندی می‌شوند.

اطلاعه‌های سالانه اعضای سازمان جهانی تجارت به کمیته کشاورزی منبع ارزشمندی از اطلاعات مربوط به حمایت داخلی را ارائه می‌دهند. به استثنای چین و اردن، تمام کشورهای منتخب دیگر، عضو مؤسس سازمان فوق هستند. شایان ذکر است دو کشور اخیر در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ به سازمان جهانی تجارت پیوسته‌اند. حمایت داخلی در کشورهای انتخاب شده تحت جعبه‌های مختلف در زیر بخش‌های زیر توضیح داده شده است.

۱-۱-۱. جعبه سبز: حمایت جعبه سبز، شامل اقدامات حمایتی داخلی است که هیچ اثر مختل‌کننده تجاری نداشته یا حداقل تأثیر را داشته یا تأثیری بر تولید نداشته باشد. تمام اقدامات تحت جعبه سبز باید از طریق یک برنامه قابل پرداخت توسط دولت صورت گیرد که دربرگیرنده انتقال اقدامات حمایتی داخلی از مصرف‌کننده نبوده و تأثیری بر تأمین قیمت حمایتی از تولیدکنندگان نداشته باشد. علاوه بر این، باید بندهای ۲-۱۳ موافقت‌نامه کشاورزی مورد توجه قرار گیرد (۱۹).

۱-۱-۲. جعبه آبی: در حالی که پرداخت جعبه سبز میان قیمت و تولید متغیر است، پرداخت‌های جعبه آبی می‌تواند به طور مستقیم با تولید فعلی مرتبط باشد، اما با شرایط محدودیت تولید. به عبارت دیگر، تحت حمایت‌های جعبه آبی امکان پرداخت‌های مستقیم مشخص تحت برنامه‌های تحدید تولید وجود دارد که عمدتاً در کشورهای توسعه‌یافته رایج است. با این حال، با توجه به شرایط اجتماعی - اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و سطح توسعه کشاورزی، این جعبه برای کشورهای در حال توسعه برای کمک به کشاورزان از طریق یک برنامه محدود کننده تولید، بسیار مفید است، زیرا آن‌ها نیاز به گسترش و محدودکردن خود ندارند. در میان کشورهای توسعه‌یافته، کشورهای عضو اتحادیه اروپا، ژاپن و نروژ در حال حاضر از جعبه آبی برای حمایت از بخش کشاورزی استفاده می‌کنند (۱۹).

۱-۱-۳. جعبه زرد: کلیه اقدامات حمایتی داخلی که دارای آثار مختل‌کننده تجاری در بخش کشاورزی می‌باشند و

مشمول معافیت‌های جعبه سبز، آبی و زرد نیستند، باید به تدریج بر پایه تعهد کاهش حمایت داخلی هر عضو کاهش یابد در مورد کشورهای توسعه‌یافته این میزان معادل ۵ درصد ارزش تولید کشاورزی می‌باشد. به این معافیت حداقلی (Minimis De) گفته می‌شود (۲۱).

در جریان دور اروگوئه، طرف‌های متعاقد اطلاعات مربوط به حمایت داخلی برای دوره پایه (۸۸-۱۹۸۶ م.) را ارائه دادند. مجموع حمایت کلی داخلی، مجموع کمک‌های داخلی دارای اثر مختل‌کننده تجاری است که در دوره پایه به تولیدکنندگان کشاورزی اختصاص داده می‌شود (۸۸-۱۹۸۶ م.). مجموع کل سالیانه حمایت داخلی حداکثر سطح حمایت از یک عضو است که می‌تواند در هر سال از دوره اجرا فراهم شود. مجموع حمایت داخلی سالانه نیز حداکثر سطح حمایت از یک عضو است که می‌تواند در آخرین سال از دوره اجرا و پس از آن فراهم شود.

محدودیت کاهشی برای حمایت از محصول تولیدی خاص در ۵ درصد (اعضای توسعه‌یافته) و ۱۰ درصد (اعضای در حال توسعه) معادل ارزش کل تولید یک محصول اساسی کشاورزی در سال مربوطه می‌شود (ماده ۶/۴). در حمایت محصول غیر تولیدی، محدودیت کاهشی در ۵ درصد (اعضای توسعه‌یافته) و ۱۰ درصد (اعضا در حال توسعه) معادل کل تولیدات کشاورزی اعضا است.

۲-۱. حمایت از محصولات تولیدی خاص و امنیت غذایی:

تهیه، ذخیره و انبارداری و توزیع عمومی، سه جنبه اصلی امنیت غذایی است. هزینه‌های مربوط به نگهداری یا ذخیره عمومی و توزیع مواد غذایی به مردم فقیر تحت حمایت جعبه سبز مجاز است، بدین‌صورت که قیمت محصول و قیمت مرجع خارجی در چهارچوب حمایت داخلی در نظر گرفته می‌شود، بدین‌معنا که رویکرد حمایتی از این نوع محصولات مربوط به معیشت فرامرزی نیز عمل شده و رژیم حمایتی از آن‌ها در چهارچوب مساعدت‌های داخلی تفسیر می‌شود.

حمایت از محصولات تولیدی خاص شامل پشتیبانی از قیمت‌های بازار، پرداخت‌های مستقیم معاف از مالیات و دیگر

حمایت‌های خاص محصول برای بخش کشاورزی است. حمایت از قیمت بازار با استفاده از تفاوت بین قیمت مرجع خارجی و قیمت کنترل‌شده با توجه به مقدار تولیدی که برای دریافت قیمت کنترل‌شده واجد شرایط است محاسبه می‌شود؛ بنابراین رژیم مساعد برای حمایت از این نوع بازار در راستای امنیت غذایی وجود دارد.

۳-۱. وضعیت امنیت غذایی در کشورهای منتخب: در حال حاضر، تعداد افرادی که از گرسنگی رنج می‌برند، بسیار ناراحت‌کننده است، در حالی که نسبت افراد سالم دنیا در سطح جهانی از ۲۳/۲ درصد در سال‌های ۹۲-۱۹۹۰ به ۱۱/۳ درصد در سال‌های ۱۴-۲۰۱۲ کاهش یافته است، اما بیش از هشتصد میلیون نفر از گرسنگی رنج می‌برند. علیرغم کاهش نسبت افراد مبتلا به سوءتغذیه، در سطوح منطقه‌ای و کشوری اختلاف زیادی وجود دارد.

شاخص گرسنگی جهانی (GHI: The Global Hunger Index) یکی از شاخص‌های مهم برای ارزیابی وضعیت حاکم بر امنیت غذایی در کشورهای مختلف است. این شاخص موارد ناامنی غذایی و تغذیه را ارائه می‌دهد. شاخص گرسنگی جهانی بر مبنای سه شاخص محاسبه شده است. بر اساس شاخص گرسنگی جهانی، وضعیت گرسنگی در یک کشور با درجات کم (۴/۹)، متوسط (۹/۹-۹/۵)، شدید (۱۹/۹-۱۰)، هشداردهنده (۲۹/۹-۲۰) و بسیار هشداردهنده (>۵) نشان داده می‌شود (۲۲).

میان سوءتغذیه، گرسنگی و فقر، همبستگی وجود دارد، زیرا فقدان قدرت خرید میلیون‌ها نفر باعث می‌شود مردم فقیر از گرسنگی و سوءتغذیه رنج ببرند. طبق گزارش سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۴، هدف توسعه هزاره سازمان ملل متحد نسبت به افرادی است که در فقر شدید زندگی می‌کنند. برای تشخیص بین فقیر و غیر فقیر، معادل یک‌سوم (۳۳/۳ درصد) از شاخص‌های وزنی استفاده می‌شود. طبق گزارش توسعه انسانی ۲/۲ میلیارد نفر در فقر چند بعدی یا فقر زندگی می‌کنند (۲۳).

فقر چندبعدی (Multidimensional Poverty) و فقر درآمدی (Income Poverty)، در فقر درآمدی فرض می‌شود که مهم‌ترین عامل فقر که دیگر عامل‌ها تحقیقاً از آن حاصل می‌شوند، ناکافی و ناپسندیده بودن درآمد افراد است) در بسیاری از کشورها کاهش یافته است. فقر درآمدی، نسبت جمعیتی است که با کمتر از ۲۵ دلار در روز زندگی می‌کنند. هند، کنیا، پاکستان، زامبیا و زیمبابوه درصد زیادی از جمعیت رو به فزاینده فقر چند بعدی را دارند. در مورد چین، اندونزی و زامبیا، فقر چند بعدی کمتر از فقر درآمدی است. در این کشورها، درصدی از افراد زیر خط فقر (۳۳/۳ درصد) هستند، اما درصدی که نزدیک به خط فقر نیز بسیار بالا است. در کشورهای دیگر، فقر چند بعدی بیشتر از فقر درآمدی است که این بدان معنی است که افرادی که بالاتر از خط فقر زندگی می‌کنند، ممکن است همچنان محرومیت در تحصیل، سلامت و شرایط زندگی دیگر را متحمل شوند (۲۳).

۴-۱. مداخله دولت در بخش کشاورزی: بخش کشاورزی فعال برای ایجاد اشتغال، رشد و توسعه بسیار مهم است. با این

حال، در بیشتر کشورهای در حال توسعه، این بخش با زیربنایی ضعیف و دسترسی به بازار محدود، نوسانات بازار بین‌المللی و عدم توانایی شرکت در بازار بین‌المللی مواجه می‌شود. در این کشورها، کشاورزان با چالش‌های متعددی مواجه هستند مانند مشکلات ساخت و ساز، اندازه‌های کوچک زمین، مشکل بازاریابی و زمین‌های تقسیم شده و این باعث می‌شود در کشورهای در حال توسعه، دولت مداخله در بازار کشاورزی را برای حفاظت از منافع کشاورزان انجام دهد (۲۴). با توجه به وضعیت کشاورزی در کشورهای در حال توسعه انتخاب شده، زمین‌های کشاورزی به عنوان درصدی از کل زمین‌های منطقه از ۳/۶ درصد در مصر تا ۶۸/۱ درصد در مراکش متغیر بوده است.

در جداول ۱ به منظور بررسی اهمیت کشاورزی و تأثیر آن در تأمین امنیت غذایی، موارد زیر ارائه می‌شود:

جدول ۱: اهمیت کشاورزی در کشورهای منتخب (۲۰۱۳ م.)*

کشور	کشاورزی، درصد ارزش افزوده از تولید ناخالص داخلی	کل جمعیت در ۱۰۰۰	درصد جمعیت روستایی	مجموع جمعیت فعال اقتصادی در ۱۰۰۰	مجموع جمعیت فعال اقتصادی در ۱۰۰۰	سهم جمعیت در کشاورزی در کل جمعیت اقتصادی فعال
چین	۱۰	۱/۴۱۶/۶۶۷	۴۶/۲۴	۸۵۰/۵۸۴	۵۰۲/۲۱۳	۵۹/۰۴
مصر	۱۴/۵	۸۲/۰۵۶	۵۶/۱۹	۲۷/۰۳۸	۶۲۷۷	۲۳/۲۲
هند	۱۸/۲	۱/۵۲۵/۱۴۰	۶۸	۵۱۶/۱۵۵	۲۷۳/۶۶۰	۵۳/۰۲
اندونزی	۱۴/۴	۲۴۹/۸۶۶	۴۷/۷۵	۱۲۶/۸۹۶	۵۰/۰۰۴	۳۹/۴۱
اردن	۳/۴	۷۲۷۴	۱۶/۷۹	۲۱۲۴	۱۱۹	۵/۶۰
کنیا	۲۹/۵	۴۴/۳۵۴	۷۵/۲۲	۲۰/۵۷۷	۱۴/۲۰۵	۶۹/۰۳
مراکش	۱۶/۶	۳۳/۰۰۸	۴۲/۲۴	۱۲/۳۷۷	۲۹۰۵	۲۳/۴۷
پاکستان	۲۵	۱۸۲/۱۴۳	۶۳/۱۵	۶۸/۹۵۹	۲۵/۸۹۵	۳۷/۵۵
تونس	۸/۶۷	۱۰/۹۹۷	۳۳/۲۷	۴۱۹۰	۸۲۱	۱۹/۵۹
ترکیه	۸/۵۳	۷۴/۹۳۳	۲۶/۶۰	۲۵/۳۶۲	۷۷۱۰	۳۰/۴۰
زامبیا	۱۷/۶	۱۴/۵۳۹	۵۹/۹۷	۵۷۶۲	۳۵۳۶	۶۱/۳۷
زیمبابوه	۱۲/۳	۱۴/۱۵۰	۶۰/۴۲	۶۳۹۹	۳۴۷۷	۵۴/۳۴

* World Development Indicators and FAOSTAT

جدول ۲: وضعیت کشاورزی در کشورهای منتخب*

کشور	زمین‌های کشاورزی ۲۰۱۲	اراضی کشاورزی (درصد از کل زمین‌های کشاورزی)	مصرف کود (کیلوگرم در هکتار از زمین‌های زراعی)، ۲۰۱۲
چین	۵۴/۸	-	۶۴۷/۶
مصر	۳/۶	-	۵۷۵/۴
هند	۶۰/۳	۳۵/۲ (۲۰۱۰)	۱۶۳/۷
اندونزی	۳۱/۲	-	۱۹۴/۸
اردن	۱۱/۷	۹/۲ (۲۰۱۲)	۱۲۶/۵
کنیا	۴۸/۲	۰/۳۸ (۲۰۱۱)	۴۴/۳
مراکش	۶۸/۱	۴/۶ (۲۰۱۱)	۲۸/۲
پاکستان	۳۵/۱	۷۰/۲ (۲۰۱۱)	۱۶۶/۹
تونس	۶۴/۹	۳/۸ (۲۰۱۱)	۵۵/۶
زامبیا	۳۲/۱	-	۱۸/۱
زیمبابوه	۴۱/۹	-	۲۹/۱

* World Development Indicators, World Bank and FAOSTAT

با توجه به وضعیت شکننده‌ای که در این کشورها وجود دارد، کشاورزی با مزرعه‌های کوچک نقش مهمی در تأمین غذا و معیشت برای میلیون‌ها نفر دارد. در آسیا، تقریباً تمام مزارع از مزارع کوچک خانوادگی هستند و در آفریقا، این‌ها در اکثریت بزرگی هستند. فقدان دسترسی به دانش و فناوری، دسترسی محدود به زیرساخت‌ها، ضعف سرمایه انسانی و اجتماعی، فقر روستایی و... محدودیت‌های اصلی برای ظرفیت سرمایه‌گذاری مزارع کوچک است. حفاظت از منافع این کشاورزان برای تأمین غذای فراوان برای میلیون‌ها نفر در آسیا و آفریقا ضروری می‌باشد (۲۵).

با توجه به چالش‌ها و محدودیت‌های ذکرشده، دولت‌های این کشورها امنیت غذایی را از طریق مداخلات مستقیم به منظور بهبود دسترسی به غذا، دستیابی به خودکفایی در تولید مواد غذایی و توسعه کشاورزی، به کار می‌گیرند. در این کشورها، دولت در بخش کشاورزی دخالت می‌کند تا با توجه به مسائل مربوط به ریسک و عدم اطمینان در این خصوص، از منافع کشاورزان محافظت کند. در مورد نوسانات قیمت، دولت‌ها اغلب کشاورزان را از طریق مداخلات ثبات قیمت محافظت می‌کنند (۲۶). بسیاری از دولت‌ها در این کشورها ترکیبی از

ابزارهای مختلف سیاست مانند سیستم حمایت از قیمت، ابزارهای تجاری، یارانه‌های ورودی و سیاست‌های مربوط به توسعه روستایی را برای دستیابی به رشد اقتصادی بالا و ثبات قیمت‌ها استفاده می‌کنند. برای محافظت از کشاورزان به منظور افزایش واردات، این کشورها همچنین تعرفه واردات را اعمال می‌کنند. در مورد افزایش قیمت مواد غذایی جهان، دولت‌ها همچنین از کاهش مالیات واردات و همچنین مالیات صادرات برای تثبیت قیمت‌های داخلی استفاده می‌کنند (۲۷). در صورتی که قیمت‌های بازار محصولات کشاورزی کاهش یابد، دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه قیمت‌های تضمینی تولید را هر ساله برای محافظت از منافع کشاورزان تنظیم می‌کند. به طور مشابه، سیاست توزیع مواد غذایی عمومی یک ابزار مهم است که از طریق آن دولت‌های این کشورها غذای یارانه‌ای را برای میلیون‌ها فقیر که از اشکال شدید گرسنگی رنج می‌برند، تأمین می‌کند. قیمت مواد غذایی، اقدامات خرید عمومی که عمدتاً به دلیل نگرانی‌های امنیت غذایی متمرکز شده است، عمدتاً برای افزایش دسترسی به محصولات غذایی در قیمت‌های پایدار است (۲۷).

با این حال، بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته با مشکلاتی مواجه است، مانند مشکلات در زیرساخت‌ها، اندازه کوچک مالکیت زمین، مشکل بازاریابی، ادغام بازار محدود و زمین‌های تقسیم‌شده. به همین دلیل، دولت‌ها در این کشورها باید در بخش کشاورزی دخالت کنند تا عدالت اقتصادی و اجتماعی را برای میلیون‌ها کشاورز فقیر و کم‌درآمد تأمین کنند.

بخش کشاورزی نقش مهمی در اقتصاد چین دارد که ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی و ۳۳/۶ درصد از کل اشتغال را تشکیل می‌دهد. مقیاس کوچک تولید، تخریب زمین، بهره‌وری پایین و زیربنای ضعیف و... چالش عمده در بخش کشاورزی است، اگرچه در طول دو دهه گذشته تعداد افرادی که دچار تغذیه شده‌اند، به میزان قابل توجهی در چین کاهش داشته است، اما ۱۵۰ میلیون نفر هنوز دچار سوءتغذیه هستند. همانطور که چین در سال ۲۰۰۱ عضو سازمان جهانی تجارت شد، محدودیت کاهشی برای چین در مورد محصولات تولیدی ۸/۵ درصد از ارزش تولید یک محصول خاص است، در حالی که برای محصولات غیر تولیدی خاص، ۸/۵ درصد از ارزش کل کشاورزی تولید است. برای مثال قیمت مرجع خارجی برای چین بر اساس میانگین سه‌ساله در طول سال‌های ۱۹۹۶-۹۸ تعیین می‌شود. چین از سال ۱۹۸۵، حمایت از قیمت کالاهای کشاورزی را دنبال می‌کند.

همانطور که در فهرست جهانی گرسنگی نیز اعلام شده است، پاکستان از جمله کشورهایی است که با گرسنگی جدی مواجه است. حدود ۳۹/۶ میلیون نفر با مشکل سوءتغذیه یا گرسنگی مواجه هستند. بخش کشاورزی می‌تواند نقش مهمی در مبارزه با گرسنگی ایفا کند، چراکه این بخش ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی و ۴۵ درصد کل اشتغال را تشکیل می‌دهد. سیاست‌های تأمین مواد غذایی در پاکستان با هدف حمایت از تولیدکنندگان با حمایت از درآمد کشاورزی و اطمینان از ثبات قیمت همراه با قیمت مقرون به صرفه برای خرید مواد غذایی برای محافظت از منافع مصرف‌کنندگان است. با توجه به اهمیت گندم به عنوان یک محصول اساسی، دولت با خرید

گندم با قیمت کنترل‌شده از کشاورزان و سپس فروش آن به مصرف‌کنندگان در قیمت‌های یارانه‌ای، در بازار گندم دخالت می‌کند. استان‌های پنجاب، سند و بلوچستان و شرکت سهامی ذخیره‌سازی کشاورزی پاکستان (PASSCO: Pakistan Agricultural Storage and Services Corporation Ltd) همچنان در بازار گندم مداخله می‌کنند. بسته حمایت جعبه زرد در قسمت کشاورزی به مراتب پایین‌تر از محدودیت کاهشی در طول دوره مبنا (۸۸-۱۹۸۶ م.) بوده است. با توجه به این امر، حداکثر حد مجاز برای تأمین محصول خاص ۱۰ درصد از ارزش تولید محصول تولیدی و ۱۰ درصد از کل تولید کشاورزی برای حمایت محصول غیر تولیدی است. پاکستان حمایت داخلی به بخش کشاورزی را برای دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۵ اعلام کرده است. بر اساس اطلاعات ارائه‌شده، مشخص شد که حمایت جعبه زرد به بخش کشاورزی پایین‌تر از محدودیت کاهشی در طول سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱ بوده است، در حالی که پاکستان پیشرفت قابل توجهی در کاهش گرسنگی داشته است، هنوز ۳۹ میلیون نفر در پاکستان در گرسنگی مانده‌اند. به دلیل قوانین موجود در موافقت‌نامه کشاورزی به عواقب ناگواری برای رفاه میلیون‌ها کشاورز فقیر و همچنین افرادی که از فقر شدید، گرسنگی در پاکستان رنج می‌برند، منجر شده است.

یکی از مسائل مهم، نیاز به توضیح اصطلاح «تولید واجد شرایط» است. اصطلاح تولید واجد شرایط برای محاسبه چیست؟ بسیاری از کشورها آمار و ارقام مربوط به میزان تهیه مواد غذایی توسط نهاد دولتی را به عنوان تولید واجد شرایط می‌دانند، در صورتی که تولید واجد شرایط به معنای مازاد بازار یا تولید کل باشد، بسیاری از کشورهای در حال توسعه که سیاست‌های حمایت از قیمت را اجرا می‌کنند، تحت شرایط موجود موافقت‌نامه کشاورزی با مشکل مواجه می‌شوند. بنابراین استفاده از مازاد بازار یا تولید کل در محاسبه حمایت از محصول خاص می‌تواند منجر به تخریب حمایت از محصول خاص شده و همچنین فرسایش فضای سیاست برای اجرای طرح‌های حمایت قیمت شود. دو راه حل برای حل این مشکل وجود دارد: اول، موافقت‌نامه کشاورزی را می‌توان اصلاح کرد

تا تولید واجد شرایط را به عنوان تهیه واقعی توسط نهاد دولتی تعریف کند؛ دوم، کشورهای عضو می‌توانند میزان تولید واجد شرایط دریافت حمایت قیمت را اعلام کنند. با توجه به این واقعیت که اکثر کشورهای در حال توسعه از میزان خرید واقعی توسط نهاد دولتی به عنوان تولید واجد شرایط بدون محدودیت استفاده می‌کنند، این مسأله باید در برنامه کاری برای یافتن یک راه حل دائمی مورد بحث قرار گیرد (۲۸).

۲. موافقت‌نامه کشاورزی و تبعات آن بر کشاورزی ایران در زمینه امنیت غذایی: همانطور که قبلاً نیز خاطر نشان شد، موافقت‌نامه کشاورزی مصوب در دور اروگوئه، شامل سه قانون و تعهد جدید در سه ناحیه کلیدی حمایت داخلی، یارانه صادراتی و دسترسی به بازار می‌باشد (۲۹). در ادامه سه بخش مذکور را در مورد کشاورزی ایران و تأثیر آن بر امنیت غذایی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۲. حمایت داخلی: برای مدتی اقتصاددانان استدلال کرده‌اند که کمک‌های مرتبط با تولید یا داشتن اثرات تولیدی غیر مستقیم، موجب تحریف تجارت می‌شود (۳۰). تحت مقررات حمایت داخلی، موافقت‌نامه می‌کوشد که تمایزی بین آنچه که باعث ایجاد نوعی حمایت از کشاورزی می‌شود که تجارت را تحریف می‌کند و حمایت عمومی بیشتر از کشاورزی و توسعه روستایی مشخص سازد.

برای محاسبه حمایت داخلی محصولی باید دو نوع قیمت حمایتی و غیر قیمتی را محاسبه نمود و جهت محاسبه معاف باید سهم مجموع آن دو را از ارزش کل تولید هر محصول به دست آورد، در ضمن لازم است سهم مجموع حمایت‌های غیر قابل انتساب به محصول را از ارزش کل تولید بخش کشاورزی محاسبه نمود. در صورتی که این سهم در کشورهای در حال توسعه، بیش از ۱۰ درصد باشد، لازم است که این کشورها مجموع میزان کلی حمایت‌های داخلی خود را به میزان ۱۳/۳ درصد در دوره اجرا کاهش دهند. حمایت از کشاورزان در ایران عمدتاً از دو طریق حمایت قیمتی (قیمت تضمینی) و نهادهای (یارانه کود شیمیایی، سموم، سوخت و اعتبارات) صورت می‌گیرد. حمایت قیمتی از طریق اعمال قیمت

تضمینی از سال ۱۳۶۸ به بعد انجام شده، اما سیاست دوم از سابقه بیشتری در ایران برخوردار است (۳۰).

۲-۲. یارانه‌های صادراتی: مقررات مربوط به یارانه‌های صادراتی برای تمامی کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت و از جمله کشورهای با حداقل توسعه‌یافتگی قابل اجراست. یارانه‌های صادراتی به عنوان تمامی پرداخت‌ها از بودجه ملی تعریف می‌شود که مربوط به صادرات است؛ وثیقه‌های صادراتی و اعتبار مالی صادراتی مشمول این تعریف نمی‌شود (۲۹). یارانه‌های صادراتی سازوکار حمایتی مهمی در بسیاری از کشورهای صادرکننده محصولات کشاورزی محسوب می‌شود. تا قبل از دور اروگوئه، هیچ محدودیت مؤثری بر حجم صادرات محصولات کشاورزی یارانه‌دار اعمال نمی‌شد و این منجر به نااطمینانی در بازارهای صادراتی کشاورزی، به خصوص مانع توسعه تجارت رقابتی محسوب می‌شد. اتحادیه اروپا و ایالات متحده بر کالای عمومی کشاورزی به ویژه، غلات، فراورده‌های دامی و شکر، یارانه‌های صادراتی قابل توجهی را پرداخت می‌نماید. کشورهای عضو اتحادیه، متعهد به تثبیت (حداکثر) یارانه‌های صادراتی شده‌اند و با توجه به میزان توسعه‌یافتگی کشورها طی دوره زمانی مورد نظر یارانه‌های صادراتی می‌بایستی کاهش یابند و علاوه بر موافقت‌نامه کشاورزی، کشورهای عضو را وادار ساخته است که یارانه‌های صادراتی را به کلاهایی که دوره پایه دریافت نمی‌کردند، گسترش ندهد. تحلیلی از تعهدات نهایی در کاهش یارانه‌های صادراتی نشان می‌دهد که تثبیت یارانه‌های صادراتی از نظر حجم صادرات یارانه‌دار و هزینه‌های مربوط، احتمالاً اثر مهمی بر جریان تجارت و قیمت‌ها خواهد گذاشت، چراکه سهم تجارت جهانی مستقیماً پوشش داده شده و از طریق یارانه‌های صادراتی برای بسیاری از کالاهای کشاورزی قابل توجه بوده است. در کشورهای در حال توسعه به جای حمایت، بر اغلب صادرات کشاورزی مالیات وضع می‌کنند و در این میان، تعداد کشورهای در حال توسعه‌ای که تثبیت یارانه‌های صادراتی را پذیرفته‌اند، محدود هستند. به هر حال با وجود کاهش چشم‌گیر در یارانه‌های صادراتی اغلب محصولات، حجم مجاز

بحث

در کشورهای در حال توسعه بخش بزرگی از جمعیت به علت فقر شدید قادر به خرید مواد غذایی نیستند. علاوه بر این، در مناطق روستایی که کشاورزی برای افراد فقیر بسیار حیاتی است، اطمینان وجود دارد که افزایش واردات منجر به افزایش امنیت غذایی خواهد شد. این مسأله به وضوح ضرورت تلاش کشورهای در حال توسعه برای خودکفایی در تولید مواد غذایی به عنوان یک هدف مهم برای برآورده‌ساختن نیازهای امنیت غذایی خود را برجسته می‌کند. با توجه به مقررات موافقت‌نامه کشاورزی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه در اجرای سیاست‌های امنیت مواد غذایی مشکل دارند. مقررات مربوطه در سازمان جهانی تجارت برای کشورهای در حال توسعه عادلانه نیست. این کشورها انعطاف‌پذیری تحت موافقت‌نامه را برای اجرای سیاست امنیت غذایی بدون تجاوز از تعهدات خود نسبت به حمایت داخلی تحت مفاد موافقت‌نامه را حفظ کرده‌اند. از سوی دیگر، اکثر کشورهای در حال توسعه هیچ میزان یا کمیتی از حمایت جعبه زرد را در رابطه با بخش کشاورزی در طول دوره پایه دریافت نکرده‌اند که این موضوع منجر به محدودشدن حمایت جعبه زرد برای اکثر کشورهای در حال توسعه می‌شود.

افزون بر این، روش حمایتی از محصولات تولیدی خاص، برای کشورهای در حال توسعه در جهت اجرای سیاست قیمت برای اهداف امنیت غذایی دشوار است. قوانین ملی برخی از کشورها نظیر چین، هند و پاکستان تحت موافقت‌نامه کشاورزی بسیار مبهم هستند و درجه بالایی از عدم اطمینان را در سیاستگذاری امنیت غذایی نشان می‌دهند. قوانین یادشده، کشورهای مزبور را از تهیه و اجرای قوانین جامع و نوآورانه ملی در زمینه استراتژی‌های غذایی ناتوان می‌سازد. با این حال، مسأله ذخیره‌سازی عمومی برای امنیت غذایی برای میلیون‌ها کشاورز با درآمد کم و یا فقیر و امنیت غذایی مردم در کشورهای در حال توسعه بسیار مهم است.

کلیه اقدامات حمایتی داخلی که دارای آثار مختل‌کننده تجاری در بخش کشاورزی می‌باشند و مشمول معافیت‌های

یارانه‌های صادراتی به گندم، غلات دامی، گوشت گاو و گوساله و روغن‌های نباتی تعلق خواهد یافت و همچنان یارانه‌های صادراتی باقی مانده، اختلال مهمی در تجارت کشاورزی جهانی به حساب می‌آید. پرداخت یارانه صادراتی در ایران معمول نمی‌باشد. تنها در این اواخر به دلیل کاهش قیمت جهانی و حضور رقبای قوی در بازار جهانی محصولات کشاورزی که هزینه تولید آن‌ها بسیار پایین‌تر از ایران است و برای حفظ بازار قبلی، دولت اقدام به پرداخت یارانه برای محصولات تولیدی و محصولات کشاورزی نمود.

۲-۳. دسترسی به بازار: قبل از دور اروگوئه، برخی از واردات کشاورزی از طریق سهمیه‌بندی و سایر تدابیر غیر تعرفه‌ای محدود شده بود. این موارد با تعرفه‌هایی که کم و بیش همان سطح از حمایت را فراهم می‌کند، جایگزین شده‌اند. این مجموعه تعرفه‌بندی از یکسو تضمین می‌کند که واردات مقدار کالاهایی که قبل از اجرای موافقت‌نامه وارد می‌شد، ادامه یابد و از سوی دیگر اطمینان می‌دهد برخی مقادیر جدید با برخورداری از نرخ‌های گمرکی نه چندان کمرشکن وارد شوند (۳۱).

اقتصاد ایران هرچند در سال‌های اخیر در زمینه آزادسازی روند رو به رشدی را داشته است، اما وضعیت ایران در سطح بین‌المللی، رضایت‌بخش نمی‌باشد که به تبع آن امنیت غذایی در این کشور را نیز به مخاطره انداخته است، به گونه‌ای که رتبه امنیت غذایی در ایران در بین ۱۲۵ کشور جهان، ۸۲ است و یکی از دلایل کسب این رتبه مرتبط با بخش کشاورزی است، لذا انجام اصلاحات بنیادی در زیربخش‌های مختلف اقتصادی و از جمله بخش کشاورزی ضروری است. بر این اساس ضرورت دارد تا در این زمینه، آن دسته از محصولات کشاورزی که در مقایسه با سایر محصولات از مزیت نسبی برخوردار بوده و توان رقابت در بازارهای بین‌المللی را دارند، مورد شناسایی و هدف‌گذاری قرار گیرند.

جعبه سبز، آبی و زرد نیستند، باید به تدریج بر پایه تعهد کاهش حمایت داخلی هر عضو کاهش یابد. در مورد کشورهای توسعه‌یافته این میزان معادل ۵ درصد ارزش تولید کشاورزی می‌باشد که موسوم به جعبه زرد است. همانطور که اکثر کشورهای در حال توسعه در طول دوره پایه حمایت این جعبه را ارائه نکرده‌اند، این امر منجر به محدودشدن حمایت از تجارت به ۱۰ درصد ارزش تولید محصول مورد نظر شده است. این امر فضای سیاسی بیشتر کشورهای در حال توسعه را برای ارائه حمایت خاص محصول در مقایسه با اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا کاهش می‌دهد. علاوه بر این، روش محاسبه حمایت خاص محصول در عدم توجه به تورم غیر منطقی است. حمایت خاص از محصول با استفاده از تفاوت بین یک مرجع خارجی و قیمت کنترل‌شده با توجه به مقدار تولید واجد شرایط برای دریافت قیمت کنترل‌شده محاسبه می‌شود. همانطور که قیمت مرجع خارجی بر اساس تجارت در سال‌های ۸۸-۱۹۸۶ محاسبه می‌شود، حمایت خاصی از محصول در طول یک دوره زمانی در صورت عدم توجه به تورم افزایش می‌یابد. این مقاصد غیر واقعی موافقت‌نامه کشاورزی باعث ایجاد مشکلات در اجرای سیاست‌های امنیت غذایی در کشورهای در حال توسعه می‌شود و می‌تواند میلیون‌ها کشاورز و فقیر را به درآمد پایین، فقر، سوءتغذیه، گرسنگی و سطح پایین توسعه انسانی سوق دهد.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار، وضعیت امنیت غذایی در کشورهای در حال توسعه بررسی شد و اهمیت مداخله دولت از طریق سیاست‌های مختلف برای مبارزه با گرسنگی، ناتوانی در تغذیه، ناامنی غذایی و فقر نشان داده شد. امنیت غذایی به عنوان یک مسأله با توسعه، سلامت، تغذیه، توسعه اقتصادی پایدار، محیط زیست و تجارت ارتباط نزدیک دارد. اهداف توسعه هزاره، به منظور کاهش دو برابری افرادی که درآمد کمتر از ۱ دلار در روز دارند و همچنین افراد مبتلا به گرسنگی بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ به نصف می‌باشد.

با توجه به نتایج فوق، یافتن یک راه حل دائمی برای مشکلی که کشورهای در حال توسعه در اجرای سیاست امنیت غذایی خود بر اساس مقررات ناعادلانه، منسوخ و غیر منطقی موافقت‌نامه کشاورزی دارند، بسیار ضروری و انکارناپذیر است. علاوه بر کشورهای منتخب موضوع در این مطالعه، برخی از کشورهای در حال توسعه دیگری شامل کشورهای کمتر توسعه‌یافته دارای سیاست‌های مشابه حمایت از قیمت و امنیت غذایی هستند. این مسأله برای کشورهایی که در حال حاضر سیاست‌های حمایت از قیمت برای کشاورزی خود ندارند، بسیار مهم است، اما ممکن است از این انعطاف‌پذیری برای معرفی برنامه‌های مشابه در آینده حمایت کنند.

در مورد کشورهای در حال توسعه، موافقت‌نامه کشاورزی به آن‌ها اجازه می‌دهد تا حمایت از محصول خاصی را تا ۱۰ درصد ارزش تولید محصولات کشاورزی برای آن محصول فراهم کنند. در مقابل، بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته مانند ایالات متحده آمریکا، ژاپن و کشورهای عضو اتحادیه اروپا میزان قابل توجهی از سطح شاخص کلی حمایت داخلی را در دور اروگوئه برنامه‌ریزی کرده و در نتیجه انعطاف‌پذیری برای ممنوعیت تجارت کشاورزی بیش از سطح حمایت کلی را فراهم می‌آورند. به عبارت دیگر، کشورهای در حال توسعه ممکن است با چالش‌های زیادی رو به رو شوند، اما بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته در شاخص کلی حمایت داخلی با توجه به انعطاف‌پذیری که در جریان دور اروگوئه به دست آوردند، هیچ مشکلی ندارند. علاوه بر این، نیاز به مقایسه قیمت کنترل‌شده با قیمت مرجع خارجی بر اساس سال‌های ۸۸-۱۹۸۶ فرمول حمایت از محصول خاص را از بین می‌برد و از واقعیت‌های اقتصادی فعلی دور است. بنابراین برای یافتن یک راه حل دائمی، نیاز به اصلاح مفاد مربوط به حمایت از محصول خاص وجود دارد.

مشارکت نویسندگان

محمدقاسم تنگستانی: جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، نگارش اولیه.

محمدجواد حیدریان دولت‌آبادی: اصلاح متن و تدوین کلی مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

در نگارش مقاله، از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

References

1. Kavi Kumar KS, Karunagoda K, Haque E, Venkatachalam L, Bahal GN. Addressing long-term challenges to food security and rural livelihoods in South Asia. Global Development Network, working paper No.66. 2012.
2. FAO The State of Food Insecurity in the World 2001. Rome. 2002. p.25-26. Available at: <http://www.fao.org/docrep/003/y1500e/y1500e00.htm>. Accessed Jan 25, 2015.
3. United Nations. We can end poverty Millennium Development Goals and beyond 2015. 2013. p.59, 86. Available at: http://www.un.org/millenniumgoals/pdf/Goal_1_fs.pdf. Accessed Jan 31, 2015.
4. DFID. Agriculture, hunger and food security. 2004. p.77. Available at: <http://dfid-agriculture-consultation.nri.org/summaries/wp7.pdf>. Accessed Feb 2, 2015.
5. Van Ittersum MJ. The Long Goodbye: Hugo Grotius Justification of Dutch Expansion Overseas, 1615-1645. History of European Ideas. 2010; 36(4): 386-411.
6. Chen RS, Kates RW. World food security: Prospects and trends. Food Policy. 1994; 19(2): 192-208.
7. Hospes O, Hadiprayitno I. Governing Food Security: Law, Politics and the Right to Food. Wageningen: Wageningen Academic Publications; 2010. p.128.
8. Fukuda-Parr S, Taylor V. Food Security in South Africa: Human Rights and Entitlement Perspectives. 2015. p.49. Available at: <https://openuctpress.uct.ac.za/uctpress/catalog/book/56>.
9. Aronsson-Storrier M, Breau SC. Research Handbook on Disasters and International Law. Cheltenham: Edward Elgar Publishing; 2015. p.49.
10. Qasemi H. Definitions and theoretical foundations of food security. Agricultural Economics and Development. 1994; 2: 12. [Persian]
11. Konandreas PA, Huddleston B, Ramangkura V. Food security: An insurance approach. Research reports 4, International Food Policy Research Institute (IFPRI). 1978.
12. Valdes A. Food Security for Developing Countries. Boulder: Westview Press; 1981. p.23.
13. Beckford CL, Campbell DR. Domestic Food Production and Food Security in the Caribbean: Building Capacity and Strengthening Local Food Production Systems. London: Palgrave Macmillan; 1998. p.21.
14. Gulati A. Economic Reforms and Food Security: The Impact of Trade and Technology in South Asia. Boca Raton: CRC Press; 2004. p.76.
15. Khan A, Shirani Bidabadi F. 2001 . Bulding A national food security system : The challenge and the strategy. India Gounal of Economic. 2001; 325(LXXXII).
16. Alinejad N, Maghsoudlou Y, Fazeli F. Food safety and hygiene, a path to sustainable development (with an examination of the importance of implementing HACCP). Savadkouh: The First National Congress on Food Health: Production, Transformation, Health; 2013. [Persian]
17. Esfandiyari C, Mirabasi B. Examination of the Aspects of the Right to Food and Food Security in International Documents. MLJ. 2015; 9(35): 157-184. [Persian]
18. Doha Ministerial Declaration. 2011. WT/MIN(01)/DEC/1.-Das and Sharma. Para.13 p.1, 55.
19. WTO. Special and differential treatment for developing countries. Committee on Agriculture, special session informal meeting. Document no. JOB(02)/187. 2002. p.14, 60, 77.
20. Elliot KA. Food Security in Developing: IS There a Role for the WTO center for global development. Online. 2015. Available at: <https://www.cgdev.org/publication/food-security-developing-countries-there-role-wto>.
21. WTO. Public stockholding for food security purposes. Ministerial Conference Tenth Session. Document no. WT/MIN(15)/44 & WT/L/979. 2015. p.71.
22. IFPRI. Global hunger index: the challenge of hidden hunger, IFPRI Repor. 2014. p.58. Available at: https://www.ifpri.org/sites/default/files/publications/gh_i14.pdf. Accessed Jan 31, 2015.
23. UNDP. Human Development Report: Sustaining Human Progress. 2014. p.19. Available at: <http://hdr.undp.org/sites/default/files/hdr14-report-en-1.pdf>. Accessed Jan 31, 2015.
24. Samaratunga P, Mehta MP, Karmachrya B, Balakrishnana U. Agricultural pricing and public procurement in South Asia. GDN working paper. 2013. Available at: <https://www.gdn.int/agricultural-pricing-and-public-procurement-south-asia>.
25. International Fund for Agricultural Development (IFAD). Investing in smallholder family agriculture for global food security and nutrition. Online. 2015.

Available at: <http://www.ifad.org/pub/post2015/english/3.pdf>. Accessed Jan 31, 2015.

26. Kumar KK, Karunagoda K, Haque E, Venkatachalam L, Bahal GN. Addressing long-term challenges to food security and rural livelihoods in South Asia. Global Development Network, working paper No.66. 2012.

27. Oyejide TA, Alaba O, Abidemi A, Balakrishnan U. Agricultural pricing and public procurement in Sub-Saharan Africa. Global Development Network, working paper No.64. 2013.

28. Montemayor R. Public stockholding for food security purposes: Scenarios and options for a permanent solution. International Centre for Trade and Sustainable Development (ICTSD). 2014. Available at: <http://www.ictsd.org/themes/>.

29. Athukorala PC. Agricultural trade policy reform in South Asia: The role of the Uruguay round and policy options for the future WTO agenda. Journal of Asian Economics. 2000; 11(2): 169-193.

30. Potter C, Burney J. Agricultural multifunctionality in the WTO - legitimate non-trade concern or disguised protectionism. Journal of Rural Studies. 2002; 18(1): 35-47.

31. Fallahi E, Khalilian MS. The World Trade Organization's Agreement on Agriculture and its Consequences on Iran's Agricultural Sector. Mashhad: 6th National Conference of Agricultural Economics; 2007. [Persian]